پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل، دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲
دورهٔ انتشار: دوفصلنامه • شاپا چاپی: 2322-3472 • شاپا الکترونیک: 2717-3402
https://doi.org/10.22067/irlip.2022.72685.1157
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۵

سیاست هند در قبال ابتکار یک کمربند- یک‌راه

رضا اختیاری امیری[1]، جواد شفقت‌نیاآباد[2]

مقالهٔ پژوهشی

چکیده

ژئوپلیتیک جنوب آسیا در سال های اخیر با ارائه ابتکار یک کمربند- یک‌راه چین تبدیل به عرصه رقابت جدی دهلی نو و پکن شده است. هند ابتکار چین را تهدیدی علیه منافع ملی خود محسوب می کند که از یک سو می‌تواند برنامه‌های این کشور را جهت دستیابی به رهبری منطقه‌ای با چالش‌هایی مواجه سازد و از سوی دیگر جایگاه قدرت این کشور را در نظام بین‌الملل تضعیف نماید. به همین دلیل دهلی نو درصدد است تا با اتخاذ سیاست‌هایی مانع از ظهور هژمونی منطقه‌ای چین در قالب ابتکار یک کمربند- یک‌راه شود و همزمان نیز جایگاه خود را در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی تقویت نماید. بر همین اساس، سوال پژوهش بر این مبنا قرار دارد که هند چه سیاست‌هایی را در منطقه در قبال تهدیدات ابتکار یک کمربند- یک‌راه چین اتخاذ کرده است؟ فرضیه پژوهش بدین صورت مفصل بندی شده است که هند جهت مواجهه با ابتکار یک کمربند- راه و قدرت فزاینده چین در قالب این ابتکار، سیاست‌ها و راهبردهایی نظیر ایجاد کریدورهای رقیب تجاری،

واژگان کلیدی:
هند، چین، شبه قاره، ابتکار یک کمربند- یک‌راه، موازنه قوا

۱. استادیار رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول) r.ekhtiari@umz.ac.ir
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
javad.sh.28968@gmail.com

توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل دریایی، تقویت همگرایی اقتصادی با کشورهای منطقه، افزایش قدرت و نفوذ دریایی، تقویت چندجانبه گرایی منطقه‌ای با هدف گسترش همکاری‌های فنی و تجاری و همچنین ائتلاف‌سازی فرامنطقه‌ای را، در راستای حفظ توازن قدرت، در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است. روش تحقیق در این مقاله کیفی و بر مبنای رویکرد تحلیلی - تبیینی می‌باشد. داده‌های این پژوهش کیفی نیز از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استخراج شده است. همچنین به منظور تحلیل علمی وتئوریک مسئله پژوهش از نظریه موازنه قوای کنت والتز بهره گرفته شده است.

پژوهشنامۀ ایرانی
سیاست بین‌الملل
دورۀ ۱۱، شمارۀ ۲، شمارۀ پیاپی۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

India's Policy Towards the Belt and Road Initiative

Reza Ekhtiari Amiri[3], Javad shafaghat Niaabad[4]

Abstract

During the previous years the geo-politic of South Asia has been a scene for competition of New-Delhi and Beijing thanks to the latter's the Belt and Road Initiative. India views the initiative a threat for its national interests; on the one hand it could challenge India's plan for becoming regional hegemony and on the other hand the initiative could weaken India's position in the international system. For these reasons, New-Delhi has adopted some policies in which prevent China to become a regional hegemony through the Belt and Road Initiative and meanwhile improve its own position regionally and internationally. Accordingly, the main question of the research is what are India's policies in order to confront threats of China's belt and Road initiative? The hypothesis is that in order to confront the Belt and Road Initiative and China increasingly power in the framework of this initiative, India has adopted some policies and strategies in foreign policy arena such as creating competing commercial corridors, development of maritime transport infrastructures, strengthen economic convergence with regional countries, increase naval power and influence, strengthen regional multilateralism with the aim of expanding technical and trade cooperation also trans-regional coalition, with the aim of balance of power. The research method is qualitative based on analytical- explanatory approach. The qualitative data was collected from library and internet resources. Also theory of balance of power was utilized in order to analyze the subject matter.

Keywords: India, China, Indian subcontinent, Belt and Road Initiative, Balance of Power

1. Assistant Professor in International Relations, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author). r.ekhtiari@umz.ac.ir

2. Graduated Student in International Relations, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. javad.sh.28968@gmail.com

مقدمه

ویژگی بارز نظام بین‌الملل در حال گذار رقابت کشورهایی است که هر یک برآنند تا موقعیت و جایگاه خود را در سلسله مراتب قدرت جهانی ارتقاء دهند. هند و چین از جمله کشورهای آسیایی هستند که به دلیل سیاست حداکثرسازی منافع و تقویت جایگاه خود در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی در یک رقابت دائمی به‌سر می‌برند. هند برای تحقق اهداف مهم سیاست خارجی یعنی ارتقاء و رشد اقتصادی و بازتعریف نقش خود در محیط پیرامونی و بین المللی، علاوه بر تقویت توانمندی‌های اقتصادی و نظامی، سعی کرده است تا ظرفیت‌های دیپلماتیک خود را ارتقاء بخشیده و سپس با توسعه مناسبات سیاسی نفوذ خود را افزایش دهد. در همین راستا، با روی کارآمدن نارندامودی[5] به عنوان نخست‌وزیر جدید هند در سال 2014، تحول مهمی در عرصه سیاست خارجی بوجود آمد. مودی با هدف توازن قدرت در منطقه و توسعه روابط اقتصادی و نظامی با کشورهای جنوب‌آسیا، «سیاست عمل به شرق» را جایگزین «نگاه به شرق» در دستگاه دیپلماسی کرد (Gill, 2020, p.10). همزمان دهلی نو، از یک سو، در تلاش برای نفوذ در کشورهای پیرامونی و حضور در مدیریت جهانی، سیاست عدم تعهد را در عرصه دیپلماتیک در پیش گرفت و از سوی دیگر با اتخاذ عمل گرایی تاکتیکی، ایجاد روابط شبه استراتژیک با آمریکا و روسیه را در اولویت دستگاه سیاست‌خارجی کشور قرار داد. علاوه بر این، هند دستیابی به عضویت دائم شورای امنیت را نیز در دستورکار دیپلماسی خود قرار داده است. همه این اقدامات از سوی رهبران هند با هدف تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای و معرفی این کشور به عنوان یک بازیگر موثر بین‌المللی انجام پذیرفته است.

اما طی سال های اخیر، آسیا شاهد توسعه منافع و نفوذ چین در این منطقه با طرح «ابتکار یک کمربند- یک‌راه»[6] بوده است. پشتوانه این طرح قدرت صنعتی- اقتصادی چین و توان سرمایه‌گذاری این کشور است. این طرح می‌تواند به همراه قدرت نظامی چین، به هژمونی این کشور در آسیای شرقی بینجامد و در نهایت با تفوق بر مسیرهای تجاری خشکی و آبی اوراسیا، چین را به سوی قدرت برتر در اقتصاد جهانی رهنمون کند (Ghezello, 2020)). در مقابل، هند بر اعتقاد است که ابتکار یک کمربند- یک‌راه با تحقق منطقه آزاد تجاری بین کشورهای عضو و ایجاد یک نظم نوین اقتصادی با محوریت یوهان چین در جهان، چالش‌هایی را برای نفوذ اقتصادی و تجاری این کشور در آینده بوجود خواهد آورد. از طرفی، اهمیت یافتن پاکستان، یعنی دشمن هند، در این ابتکار و قدرت گرفتن این کشور در معادلات سیاسی و نظامی به موازات حضور نظامی پکن در اقیانوس هند، بر شدت نگرانی‌های هند افزوده است(Mishra & Haldar, 2020, p.468) . در حقیقت هند از آن بیمناک است که در محاصره اقتصادی

---

۵. Narendra Modi

۶. Belt and Road Initiative

چین قرار بگیرد، به همین دلیل بدنبال حفظ منافع خود در جنوب آسیا و کشورهای شرق آفریقا2021) (Oshal., بطور کلی، سیاستگذاران هند ابتکار یک کمربند- یک‌راه را تهدیدی علیه منافع ملی خود محسوب می کنند که از یک سو می‌تواند برنامه‌های این کشور را جهت دستیابی به رهبری منطقه‌ای با چالش‌هایی مواجه سازد و این کشور را در یک تنگنای ژئوپلیتیکی قرار دهد و از سوی دیگر کاهش قدرت این کشور را در معادلات بین‌المللی بدنبال داشته باشد. به همین دلیل، یعنی نفوذ چین در منطقه و ملاحظات امنیتی، هند از شرکت در این پروژه خودداری کرده و در اجلاس ابتکار یک کمربند- یک‌راه در ماه مه2017، نیز نماینده رسمی خود را به چین اعزام نکرد (Bhalla, 2020, p.464).

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان استدلال کرد که طی سال‌های گذشته منطقه جنوب و جنوب شرقی آسیا تبدیل به یکی از حوزه‌های مهم تقابل دو کشور گردیده و دهلی نو درصدد است تا با اتخاذ سیاست‌هایی مانع از ظهور هژمونی چین در منطقه در قالب ابتکار یک کمربند- یک‌راه شود و همزمان نیز جایگاه خود را در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی تقویت نماید. بنابراین، در حال حاضر ترس از هژمونی و افزایش قدرت چین، در قالب ابتکار جدید این کشور، نقش مهمی در سیاستگذاری خارجی هند ایفاء کرده و دهلی نو را جهت تقابل جدی‌تر با پکن سوق داده است. با در نظر گرفتن ملاحظات فوق این سوال مطرح می‌شود که هند جهت مقابله با تهدیدات و نقش ابتکار یک کمربند- یک‌راه در افزایش قدرت چین چه سیاست‌هایی را در منطقه اتخاذ کرده است؟ فرضیه پژوهش بر این انگاره استوار است که هند جهت مواجهه با ابتکار یک کمربند- راه و قدرت فزاینده چین در قالب این ابتکار، سیاست‌ها و راهبردهایی نظیر ایجاد کریدورهای رقیب تجاری، توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل دریایی، تقویت همگرایی اقتصادی با کشورهای منطقه، افزایش قدرت و نفوذ دریایی، تقویت چندجانبه گرایی منطقه‌ای با هدف گسترش همکاری‌های فنی و تجاری و همچنین ائتلاف‌سازی فرامنطقه‌ای را، با هدف حفظ توازن قدرت، در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است. روش تحقیق در این مقاله کیفی و بر مبنای رویکرد تحلیلی- تبیینی می باشد. داده‌های این پژوهش کیفی نیز از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استخراج شده است. همچنین به منظور تحلیل علمی وتئوریک مسئله پژوهش از نظریه موازنه قوای کنت والتز بهره گرفته شده است.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی به زبان انگلیسی و فارسی در رابطه با موضوع پژوهش به تحریر درآمده است. بلاه[7] (2018) در پژوهشی تحت عنوان «ابتکار یک کمربند- یک‌راه و نگرانی‌های هند» ضمن بررسی چشم‌انداز ابتکار یک کمربند- یک‌راه در منطقه و نظام بین‌الملل، به نگرانی‌های برآمده از سوی این پروژه برای هند در منطقه بویژه در کریدور اقتصادی چین-

۷. Montgomery Blah

پاکستان می‌پردازد. در این پژوهش نویسنده بر این نکته تأکید دارد که هند برای مقابله با رفتار تفوق‌جویانه چین، به توسعه روابط شبه‌استراتژیک با ژاپن و آمریکا پرداخته است. فریمن[8] (2018) نیز در پژوهشی تحت عنوان «سیاست منطقه‌گرایی چین و روابط هند و چین در جنوب آسیا» به بررسی سیاست منطقه‌گرایی چین در جنوب آسیا و زمینه‌های رقابت و تقابل هند و چین در این منطقه می‌پردازد. به عقیده نویسنده، تفوق سیاسی و نظامی چین در منطقه به موازات ابتکار یک‌کمربند- یک‌راه، منافع و امنیت هند را با تهدید روبه‌رو کرده است. نویسنده در این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که چین برای جلوگیری از تنش‌های آینده با هند و جلب مشارکت این کشور در ابتکار یک‌کمربند- یک‌راه، نیاز به بازسازی و تجدیدنظر در سیاست خارجی خود در منطقه دارد. پوروشوتامان و اونیکریشنان[9] (2019) در پژوهشی تحت عنوان «توصیف بسیاری از مسیرها؛ رویکرد هند به پروژه‌های اتصال در اوراسیا» ضمن بررسی کریدور و پروژه‌های ارتباطی هند در منطقه شبه‌قاره و اوراسیا، به نقش قدرت‌های فرامنطقه و منطقه در این پروژه‌ها نظیر کریدور شمال- جنوب و جاده ابریشم جدید می‌پردازد. نویسنده بر این نکته دارد که هند به دلیل ترس از نفوذ چین در منطقه اوراسیا، به دنبال پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا است تا ضمن افزایش نفوذ، محدودیت‌هایی برای حضور چین ایجاد کند. تیشه‌یار و همکاران (1392) در پژوهشی با عنوان «رقابت هژمونیک هندوستان و چین در جنوب و جنوب شرقی آسیا» به بیان رقابت دوکشور در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی می‌پردازند. به عقیده نگارنده گان این پژوهش، دو مؤلفه اقتصادی و نظامی، نقش اصلی در رقابت های هژمونیک دو کشور به‌عنوان ابزار زمینه ساز تسلط و نفوذ برای به دست آوردن هژمونی در مناطق جنوب و جنوب‌شرق آسیا بازی می کند. لذا دوکشور به بستن توافقنامه‌های نظامی و اقتصادی با کشورهای منطقه مبادرت ورزیده‌اند. نویسندگان به این نتیجه می‌رسند که افزایش رقابت ها در دو حوزه اقتصادی و نظامی میان دو کشور هندوستان و چین در درون مرزها و نیز در مناطق پیرامون این دو کشور، می تواند به افزایش ناامنی و مسابقه تسلیحاتی در سطح آسیا در آینده دامن زند. تویسرکانی (1398) در پژوهشی تحت عنوان «راه ادویه جدید، رقیب منطقه‌ای راه ابریشم جدید» با بیان مفاهیم و ادراکات استراتژیک راه ابریشم جدید و تهدیدات منافع و امنیت هند، به کشف اهداف و انگیزه‌های اصلی احیای کریدور شمال- جنوب (راه ادویه جدید) می‌پردازد. به عقیده نویسنده جلوگیری از هژمون‌گرایی چین در منطقه شبه قاره، رویارویی با تغییر وضعیت در جامو و کشمیر به نفع پاکستان، سلب فرصت های ژئوپلیتیک-ژئواستراتژیک چین در منطقه اقیانوس هند، ایجاد فاصله میان پاکستان با همسایگان خود به ویژه افغانستان و پیوند ژئوپلیتیک با شرکای جدیدش در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی از اهداف اصلی ترویج

۸. Carla P. Freeman

۹. Uma Purushothaman & Nandan Unnikrishnan

راه ادویه جدید و احیای راه گذر بین المللی شمال-جنوب است. نویسنده بر امر تاکید دارد راه ادویه جدید، استعاره‌ای است که هژمون گرایی هند و رقابت این کشور با راه ابریشم جدید چین برای سلطه بر مسیرهای جا به جایی و ترابری کالا و انرژی را روایت می کند.

بررسی ادبیات نشان می‌دهد که کار پژوهشی قابل توجه‌ای در رابطه با سیاست‌ها و راهبردهای هند در قبال تهدیدات برآمده از ابتکار یک کمربند- یک راه چین انجام نگرفته است. آثار موجود بطور عمده صرفا به نگرانی‌های هند نسبت به ابتکار یک کمربند- یک‌راه چین اشاره کرده و هیچ یک از آنها راهبردها و سیاست‌های گوناگون دهلی نو را بطور خاص در مواجهه با ابتکار جدید چین مورد بررسی قرار نداده‌اند. چنانچه اگر هم اشاراتی داشته‌اند این راهبردها را بطور جامع در قالب یک کار پژوهشی مستقل مورد تحلیل قرار نداده‌اند. بنابراین تا آنجا که به مساله اصلی پژوهش حاضر مربوط می‌شود، یک نوع شکاف دانشی در این مورد وجود دارد.

بطور کلی پژوهش حاضر تفاوت‌های مهمی با آثار گذشته دارد: نخست این که صرفا به نگرانی هند اکتفا نکرده و همزمان سیاست‌ها و راهبردهای این کشور را در قبال ابتکار چین مورد مطالعه و تحلیل قرار داده است. دوم این که پژوهش کنونی نگاه تک بعدی نداشته بلکه سعی کرده است مهمترین سیاست‌ها و راهبردهای هند در قبال ابتکار چین را بطور جامع و در چارچوب نظریه موازنه قدرت مورد تبیین قرار دهد؛ کاری که تاکنون در هیچ یک از آثار داخلی و خارجی انجام نگرفته است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

برخی نظریه موازنه قوا را شناخته شده‌ترین و احتمالا موثرین‌ترین نظریه موجود برای توضیح ماهیت روابط بین‌الملل از قرن شانزدهم به بعد دانسته‌اند. پس از جنگ جهانی دوم موازنه قوا توسط مورگنتا به صورت یک نظریه تدوین گردید و سپس اندیشمندانی نظیر اسپایکمن، نیپور و کسینجر آن را تکمیل کردند. در خصوص موازنه قوا نظریه واحدی وجود ندارد بلکه نظریه‌های گوناگونی وجود دارد که تمامی آنها ملهم از این فرضیه بنیادی واقع گرایی هستند که دولت‌ها بازیگران اصلی نظام بین‌الملل می‌باشند و تحت فشارهای نظام آنارشیک بین‌المللی بطور عقلایی در پی افزایش قدرت و یا امنیت خود هستند. بر اساس این اصل، مکانیسم بقا اجتماع دولت‌ها یا دولت‌های منفرد را وادار به مقابله با تمرکز و انباشت قدرت می نماید (Cheginizade, 2014, pp.230-232). اما ناتوانی قدرت‌های بزرگ در موازنه سازی علیه آمریکا در دوران پساجنگ سرد، چالش‌هایی را برای نظریه موازنه قوا ایجاد کرد. در این میان نظریه پردازانی نظیر کنت والتز[10] با ارائه نظریات جدید موازنه قوا سازگار با نظام بین‌الملل درصدد حل این چالش‌ها بودند (Simbar & Salehiyan, 2017, pp.35-36). این نظریه پردازان به

۱۰. Kenneth Waltz

بررسی و ارزیابی موضوع رقابت بازیگران برای امنیت و قدرت در سطح منطقه و بین‌الملل پرداختند (Mossalanejad, 2011, p.144). از نظر والتز، نظام تک قطبی به دو دلیل تداوم زیادی در نظام بین‌الملل نخواهد داشت. نخست اینکه بدلیل وظایف متعدد در ورای مرزهای خود، موجب کاهش قدرت آن‌ها در طولانی مدت می‌شود و دوم اینکه دولت‌های ضعیف نسبت به رفتار دولت‌های قدرتمند احساس خطر می کنند (Dehghani & Moradi, 2015, p.67). از اینرو والتز معتقد است که ایجاد توازن مجدد در نظام بین‌الملل پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی امکان‌پذیر است. از دیدگاه این نظریه پرداز ساختارگرا، دولت‌ها هنگام مواجه شدن با تهدید، یکی از دو راهبرد دنباله روی[11] یا موازنه‌سازی[12] را انتخاب می کنند(Fathi & et al., 2021, pp.164-166) . دولت‌های کوچک و ضعیف معمولا راهبرد دنباله روی را در برابر تهدیدات کشورهای قدرتمند اتخاذ می کنند و دولت‌های بزرگ و قدرتمند راهبرد موازنه‌سازی را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار می‌دهند. والتز معتقد است دولت‌ها به منظور دفع قدرت، در برابر قدرت‌های توسعه طلب به رویکرد موازنه قوا روی می‌آورند (Niakoui & Safari, 2018, p.104).

در همین رابطه والتز در رئالیسم ساختاری خود بیان می کند که امنیت و بقای دولت‌ها در گرو تلاش برای جلوگیری از تمرکز و انباشت قدرت است. وی بر این نکته تاکید دارد که انباشت قدرت و « میل به هژمونی» بطور منطقی به موازنه ختم می‌شود. از نظر والتز دولت‌های ضعیف هیچ گاه نمی‌توانند به این قطعیت و یقین برسند که دولت قوی‌تر از قدرتش برای تجاوز و نقض حاکمیت آنها استفاده نکند و یا تهدیدی برای بقا و امنیت آنها نباشد. نظریه موازنه قوا به لحاظ مفهومی بر مبنای دو گزاره بنیادین قوام گرفته است: نخست این که تمرکز قدرت در هر بازیگری اساسا کاهش ضریب امنیتی دیگر بازیگران را موجب خواهد شد؛ دوم، این که در یک نظم آنارشیک بین‌المللی، دولت‌ها برای بقا و افزایش امنیت خود مجبور به مقابله با تمرکز قدرت در نظام بین الملل هستند. زمانی که یک قدرت بزرگ نشانه هایی از تلاش برای تسلط بر نظام بین الملل را بروز می دهد، دیگر قدرت‌های بزرگ با یکدیگر متحد می‌شوند تا از این طریق ضمن مقابله با تمایلات هژمونیک در سیستم، بقا و استقلال خود را نیز حفظ کنند (Cheginizade, 2014, pp.231-232). به تعبیر دیگر، در نظام بین‌المللی که آنارشی مشخصه اصلی و اساسی آن است و هیچ قدرت یا دولتی فراملی برای اجرای قوانین وجود ندارد، رفتاری که کشورها از سوی نظام به آن واداشته می‌شوند ایجاد توازن است و نه دنباله روی. هر کشوری در وضعیت طبیعی[13] هابزی بسر می برد که در جریان رقابت برای بقا، تحت فشارهای فوق العاده ای قرار

۱۱. bandwagoning
۱۲. balancing
۱۳. State of Nature

دارد. این فشارها موجب شکل گیری انواع متفاوتی از رفتارها در میان بازیگران می گردد؛ از یک طرف بازیگران نظام بین الملل را مجبور می سازد تا از رفتارهای موفق ترین بازیگران الگو برداری کنند که این امر منجر به ایجاد واحدهای یکسان و همزیستی میان بازیگران می‌شود و از طرف دیگر افزایش سریع قدرت یک بازیگر باعث تحریک سایر بازیگران برای افزایش قدرت خود و در صورت عدم کفایت، موجب ایجاد اتحاد میان آنها برای جلوگیری از ظهور هژمون بالقوه می گردد و زمانی که موازنه قدرت برقرار شد جاه طلبی هژمونیک از میان می رود. بنابراین در وضعیت آنارشیک نظام بین‌المللی، موازنه قدرت هم چون دست نامرئی آدام اسمیت در بازار عمل می کند .(Sazmand & et al., 2011, pp.254-255)

والتز بر این امر تأکید دارد که توازن قوا باعث کنترل منازعات و بحران‌های منطقه‌ای می‌شود. او علت اصلی شکل گیری توازن قوا را رقابت قدرت‌ها در محیط‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌داند. از دید والتز، امنیت‌جویی از اهداف اصلی دولت‌ها است و قدرت هم لازمه رسیدن به امنیت است. اگر در شرایطی امنیت دولت‌ها، مورد تهدید واقع شود، تا حدودی از قدرت‌طلبی خود می کاهند. بر این اساس دولت‌ها در مواجه با قدرت هژمون طلب با تشکیل ائتلاف در برابر آن به موازنه‌سازی روی می‌آورند (Moshirzadeh, 2018, p. 24). لذا راهبرد دولت‌ها در مقابل رقبای بالقوه خود که به دنبال افزایش قدرت هستند، موازنه‌سازی است .(Waltz, 1979, p.126) از طرفی والتز عقیده دارد این امکان وجود دارد حفظ و ایجاد رویکرد توازن قوا، انگیزه یک دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌ها باشد. لذا توازن در نظام بین‌الملل گرایش به ایجاد شدن دارد (Niakoui & Safari, 2018, p.105). در حقیقت، فشارهای ناشی از کشمکش و تقابل در کنار ماهیت بی ثبات نظام بین الملل موجب می‌شود استراتژی موازنه قدرت علیه کشورهایی که قدرت آنها به سرعت در حال افزایش بوده و جاه‌طلبی هژمونیک دارند به نظر عقلانی باشد. کشورهایی که به طور متناوب از انجام بازی قدرت بر اساس این قوانین ناتوان باشند سرانجام از میان خواهند رفت، ولی نباید از نظر دور داشت که کشورهایی که در صحنه جنگل گونه بین‌المللی عمل می کنند همچون توپ های بیلیارد رها نیستند که تنها بر اساس شرایط و موقعیت خود استراتژی و رفتار خود را انتخاب نمایند. انتخاب‌های استراتژیک در محیط آزمایشگاهی که در آن مجموعه‌ای از عوامل و متغیرها تحت کنترل باشند اتخاذ نمی‌شود، بلکه در محیطی که کشورهای مختلف وابستگی متقابل نسبت به یکدیگر دارند انتخاب و اجرا می شوند (Sazmand et al., 2011, pp.254-255). به همین دلیل یعنی پیچیدگی شرایط و تاثیرگذاری متغیرهای گوناگون در تعاملات دولت‌ها، اکثر آنها بجای «نتایج حداکثری»[14] به دنبال « نتایج رضایت بخش»[15] در سیاست خارجی هستند.

۱۴. Maximum Outcomes

۱۵. Satisfactory Outcomes

با توجه به مفروضات فوق بطور کلی می‌توان بیان داشت، ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل و رقابت دو کشور هند و چین آنها را به موازنه‌سازی در برابر تهدیدات و قدرت یکدیگر واداشته است. اگر بنا را بر فهم روابط از منظر والتز قرار دهیم، افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی چین به موازات پروژه یک کمربند- یک‌راه موجب تغییر توازن قوا به زیان هند خواهد شد. از اینرو هند بمنظور موازنه سازی در برابر قدرت فزاینده و تهدیدات چین، تواتمند سازی درونی و همچنین توسعه روابط با قدرت‌های منطقه و فرامنطقه را، در چارچوب ائتلاف سازی، مورد توجه قرار داده است. از سوی دیگر، رقابت هند و چین برای دستیابی به هژمونی منطقه‌ای، زمینه سیاست موازنه سازی از سوی این بازیگران و حتی بازیگران فرامنطقه‌ای را فراهم آورده تا مانع از ظهور هژمون منطقه‌ای شوند. اهمیت موازنه قوا و توازن سازی در منطقه به حدی است که هر زمان توازن منطقه تغییر می کند زمینه برای بوجود آمدن تقابل و منازعه فراهم می‌شود. اما واقعیت این است که رویکرد هند برای توازن قدرت در منطقه، چالش‌هایی را برای پیشبرد منافع ملی چین در قالب ابتکار یک کمربند- یک‌راه ایجاد کرده و منجر شده است تا پکن در جهت دستیابی به اهداف خود با دشواری‌هایی مواجه گردد.

۳. ابتکار یک کمربند- یک‌راه و منافع و امنیت هند

ابتکار یک کمربند- یک‌راه توسط شی‌جینگ‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، در سال ۲۰۱۳ مطرح گردید که مشتمل بر 68 کشور با جمعیتی بالغ بر 4/4 میلیارد و تولید ناخالصی ملی 40 درصدی از تولید ناخالص جهان می باشد. تحقق این طرح منافع بسیار زیادی در حوزه انرژی، ترانزیت کالا، دستیابی به بازارهای جدید، تجارت و نهادسازی مالی برای چین بدنبال خواهد داشت (Jamshidi & Khatami, 2020, p.11). ابتکار یک‌کمربند- یک‌راه از چندین پروژه و نهاد دو جانبه و چند جانبه در سطح بین منطقه‌ای تشکیل شده است. این ابرپروژه شامل دو مسیر تجاری «کمربند اقتصادی راه ابریشم» و «راه ابریشم دریایی» است. کریدور شبه جزیره چین-هند و چین، کریدور اقتصادی بنگلادش- چین- هند- میانمار، کریدور اقتصادی چین- پاکستان، کریدور آسیای میانه- غرب آسیا، کریدور چین- مغولستان- روسیه و پل زمینی اوراسیا طرح‌های اصلی این پروژه می‌باشند. ابتکار یک کمربند- یک‌راه و توسعه روزافزون چین، نگرانی‌هایی برای آینده نفوذ هند در مناطق با اهمیت استراتژیک جهانی بوجود آورده است. در این راستا هند به دلیل نفوذ چین در منطقه و ملاحظات امنیتی، از شرکت در این پروژه خودداری کرده است. بطوری که در اجلاس ابتکار یک‌کمربند- یک‌راه در ماه مه2017 ، هند نماینده رسمی خود را به چین اعزام نکرد (Bhalla, 2020, p.464). در این زمینه، از طرفی چین ملاحظات امنیتی هند را در این پروژه در رابطه با پاکستان نادیده گرفته است. همچنین توسعه قابل توجه شبکه‌های زیرساختی بین چین و پاکستان در چارچوب

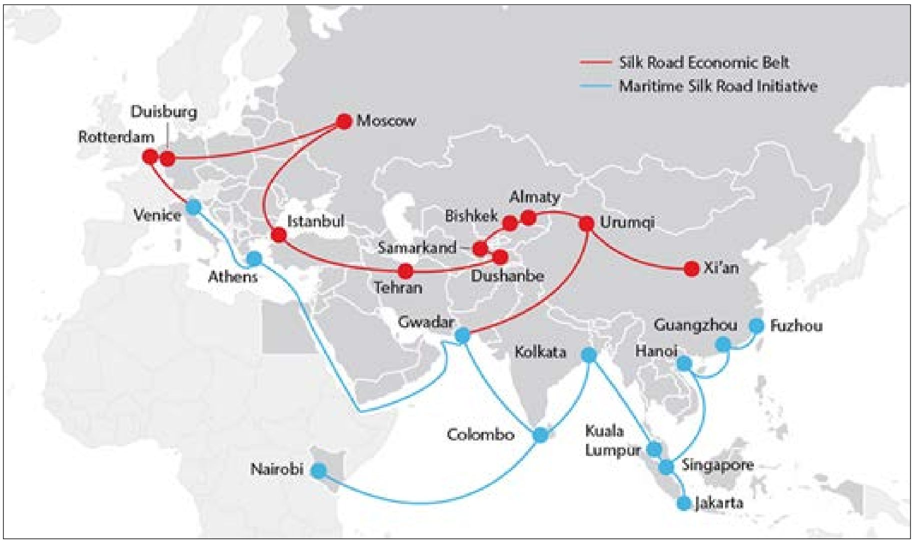
پژوهشنامۀ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورۀ ۱۱، شمارۀ ۲، شمارۀ پیاپی۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

کریدور اقتصادی چین-پاکستان نگرانی‌هایی را برای هند بوجود آورده است. همزمان نیز همکاری‌های هسته‌ای و نظامی بین چین و پاکستان بر شدت نگرانی‌های هند افزود. از سوی دیگر نیز، طرح یک کمربند- یک راه از منطقه مورد مناقشه هند و پاکستان، گلگت-بلتستان عبور می کند و این اقدام چین به معنای به رسمیت شناختن حاکمیت این منطقه توسط پاکستان است (Kamenev, 2018, p.69). هند نگران آن است که پکن از طریق ابتکار یک کمربند- یک‌راه و با استفاده از ابتکار عمل «دیپلماسی تله‌بدهی[16]»، ضمن توسعه نفوذ خود، سلطه سنتی دهلی نو در حیات خلوتش را به چالش بکشد. در همین زمینه، مودی نخست‌وزیر هند این پروژه را طرح جدیدی از «استعمار» معرفی کرده است که چین بواسطه آن در صدد است تا از طریق بدهکار کردن کشورهای همسایه هند برای ایجاد بنادر و توسعه زیرساخت‌ها، منافع و امنیت خود را تأمین کند؛ به طوری که سریلانکا و پاکستان در سال‌های اخیر در سازمان ملل بر حمایت‌های همه جانبه از چین پرداخته‌اند (Leonova, 2017, p.206). چین از آن بیمناک است که همکاری‌های امنیتی و نظامی هند و آمریکا، ضمن افزایش موقعیت آمریکا در منطقه، محدودیت‌هایی را برای محموله‌های چین در آینده بوجود آورد. این در حالی است چین به شدت به واردات مواد غذایی و مواد اولیه وابسته است. به همین دلیل در سال‌های اخیر چین به توسعه پایگاه‌های دریایی خود در منطقه اقیانوس هند اقدام کرده است (Alikberov & Alikberova, 2020, p.76). این کشور با اتخاذ «استراتژی رشته مروارید[17]» درصدد بوده تا با ایجاد زنجیره‌ای از بنادر راهبردی در اقیانوس هند، ضمن ایجاد بسترهای لازم برای توسعه پایگاه‌های نظامی از آفریقا تا آسیای جنوبی، امنیت ترانزیت کالاهایش را تضمین کند (Gill, 2020, p.8). اتخاذ این استراتژی در پوششی از ابتکار یک کمربند- یک‌راه، منافع و امنیت هند را با تهدید روبه‌رو کرده است. از سویی بنادر چین در اقیانوس هند، این امکان را به پکن می‌دهد که از آنها به عنوان پایگاه نظامی استفاده کند. مشارکت دولت‌های آسیایی و آفریقایی همچون کنیا، جیبوتی، پاکستان و میانمار نگرانی‌هایی را برای هند در جهت تبدیل شدن آن‌ها به پایگاه نظامی چین در اقیانوس هند بوجود آورده است (Touiserkani, 2019, p.16). در همین راستا، چین در سال 2017 اولین پایگاه نظامی خود را در خارج از چین در جیبوتی افتتاح کرد (Golam et al., 2019, p.11). بطور کلی چین در پی آن است که از طریق ابتکار یک کمربند- یک‌راه قدرت و نفوذ اقتصادی خود را در نظام بین‌الملل توسعه بخشد. در همین راستا، در سال‌های اخیر چین نفوذ خود را در کشورهای همسایه هند و منطقه خاورمیانه افزایش داده است. از طرفی چین درتلاش است با توسعه بنادر و پایگاه‌های نظامی ضمن توسعه نفوذ خود در جنوب و جنوب شرقی آسیا، حضور هند در منطقه اقیانوس هند را با چالش مواجه

۱۶. Debt-trap diplomacy

۱۷. string of pearls strategy

کند. ازاین رو هند در راستای امنیت و منافع خود در جهت کاهش نفوذ و تهدیدات چین در نظام بین‌الملل و منطقه به گسترش و راهبردی کردن روابط با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سوق پیدا کرده است.



نقشه (1): طرح یک کمربند- یک راه

(Ghezello, 2020)

۴. سیاست هند درقبال ابتکار یک کمربند- یک‌راه

هند جهت مقابله با تهدیدات ابتکار یک کمربند- یک راه و قدرت فزاینده چین در قالب این پروژه، سیاست‌ها و استراتژی‌هایی را طراحی و اجرایی کرده است که در سطور ذیل به آنها خواهد شد.

۴-۱. استراتژی‌های ژئواکونومیک هند

۴-۱-۱. ایجاد کریدور رشد آسیا- آفریقا

هند و ژاپن در جهت مقابله با ابتکار یک کمربند- یک راه و نفوذ چین در منطقه آسیا و آفریقا، پروژه مشترک «کریدور رشد آسیا و آفریقا»[18] را در دستور کار خود قرار داده‌اند. در این پروژه هند با استفاده از بودجه و فناوری‌های ژاپن، به توسعه بنادر آسیا و آفریقا پرداخته است (Golam et al., 2019, p.8). کریدور رشد آسیا و آفریقا منجر به ایجاد چندین مؤسسه نظیر بانک توسعه آفریقا به منظور تأمین اعتبار شده است. به‌طوری که هند و ژاپن توانسته‌اند شراکت همه کشورهای آفریقا در این پروژه را تضمین کنند. در این پروژه، ژاپن چندین میلیارد دلار در توسعه و نوسازی بنادر هزینه کرده است (Mishra & Haldar, 2020, p.469). همچنین، ساخت چندین پروژه زیربنایی در ایران، سریلانکا و سایر کشورهای جنوب شرقی آسیا از

۱۸. Asia-Africa Growth Corridor

جمله اقدامات هند با مشارکت ژاپن می‌باشد (Purushothaman &Unnikrishnan , 2019, p.79) در این بین توسعه نوسازی بندر چابهار ایران نیز با هدف کاهش نفوذ چین در آسیای میانه انجام گرفته است (Piniugina, 2018, pp.161-162). علاوه بر این، این پروژه درصدد است که بخش‌های مختلف آفریقا را به آسیا متصل کند. در این زمینه بندر «جام‌نگر»[19] در «گجرات »[20] هند به جیبوتی در خلیج عدن و بندرهای «مومباسا»[21] کنیا و «زنگبار»[22] تانزانیا به بندر «مادورای»[23] هند و بندر «کلکته»[24] به بندر «سیتوه»[25] متصل خواهد شد (Blah, 2018, pp.322-324). پروژه کریدور رشد آسیا و آفریقا یکی از راهبردهای توازن بخش هند در قبال پروژه یک کمربند- یک راه است. به‌طوری‌که هند و ژاپن درصدد آن هستند با همکاری یکدیگرو مشارکت در طرح های مشترک نفوذ چین را در منطقه آسیا و آفریقا کاهش دهند.

۴-۱-۲.توسعه کریدور شمال- جنوب

یکی از ابعاد اهمیت ابتکار یک‌کمربند- یک‌راه این است که نفوذ چین را در منطقه آسیای میانه و قفقاز افزایش خواهد داد. در راستای مقابله با نفوذ هژمونی چین، هند به کمک ایران و روسیه، پروژه کریدور شمال- جنوب را توسعه بخشیده است. کریدور شمال- جنوب در سال 2000 قبل از پروژه چین توسط ایران، هند و روسیه مورد توافق قرار گرفت. این پروژه آسیای جنوبی، مرکزی، قفقاز و اوراسیا را به هم متصل می کند و مسیر آسیا به اروپا را به نصف کاهش می‌دهد (Piniugina, 2018, p.159). در همین ارتباط، هند در تلاش است با کاهش محدودیت‌های گمرکی با روسیه و انعقاد قرارداد تجارت آزاد با اتحادیه اوراسیا، زمینه را برای توسعه روابط اقتصادی با کشورهای منطقه اوراسیا و قفقاز فراهم کند (Sukhodolov, 2020, p.231). بر همین اساس، مسکو و دهلی نو از سال 2010 تا 2020، 200 پروژه مشترک را در دستور کار خود قرار داده‌اند (Dunaeva, 2015, p.61). علاوه بر این، هند در سال 2016 با توافق‌نامه نوسازی بندر چابهار و ایجاد کریدور هند- ایران- افغانستان ضربه دیگری به پروژه یک کمربند- یک راه به‌ویژه کریدور اقتصادی چین- پاکستان وارد کرد. هند درصدد بوده تا از طریق ایران به افغانستان و آسیای میانه نفوذ پیدا کند (Zamaraeva, 2018, p.64) در همین زمینه، در فوریه 2019 هند و روسیه در خصوص عملیاتی ساختن کریدور شمال- جنوب از راه ایران، تفاهم‌نامه‌ای را به امضا رساندند. این کریدور درصدد است کالاهای هندی را از اقیانوس

۱۹. Jamnagar
۲۰. Gujarat
۲۱. Mambasa
۲۲. Zanzibar
۲۳. Madurai
۲۴. Kalkata
۲۵. Sittwe

هند و خلیج فارس به دریای خزر و سپس به منطقه اوراسیا ترانزیت کند (Touiserkani, 2019, p.4). بنابراین، هند تقویت کریدور شمال-جنوب را پاسخی فعال به تهدیدات چین در قالب پروژه یک کمربند- یک راه می داند که می‌تواند ضمن جلوگیری از تضعیف جایگاه سیاسی- اقتصادی این کشور، موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی آن را تقویت کند.

۴-۱-۳. پروژه ساگارمالا و نوسازی بنادر

هند به منظور نفوذ اقتصادی در منطقه و موازنه سازی در برابر تهدیدات ابتکار یک کمربند- یک راه و توسعه بنادر چین، دو راهبرد مرتبط با توسعه زیرساخت‌ها را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است؛ نخست «پروژه ساگارمالا»[26] و دوم نوسازی بنادر کشورهای منطقه. پروژه ساگارمالا در سال 2015 با هدف توسعه دریایی در هند آغاز شد. نوسازی و ایجاد بنادر، ایجاد شبکه‌های حمل و نقل یکپارچه، افزایش ظرفیت‌های لازم برای ترانزیت کالا از بنادر، صنعتی‌سازی بنادر از طریق خوشه‌های صنعتی و توسعه منطقه ساحلی از اهداف اصلی این پروژه بوده است. برنامه ساگارمالا بیش از 400 پروژه را برای اجرا در طول سال‌های 2015 تا 2035 در نظر گرفته است (Rao, 2019, pp.247-249). هند درصدد آن است با انجام این پروژه ضمن افزایش همکاری تجاری خود با کشورهای حوزه اقیانوس هند، عرصه را برای چین تنگ کند (Golam et al., 2019, p.7). از طرفی دیگر نیز، هند با نوسازی بنادر کشورهای منطقه، به دنبال افزایش نفوذ و تبادلات تجاری خود است. در این راستا هند به بازسازی بندر «کانکسانسورای»[27] سریلانکا و بندر «سیتوی» میانمار پرداخته است (Rao, 2019, p.254). همچنین هند با همراهی ژاپن قرار است بندر دریایی «ترینکومالی»[28] سریلانکا و بندر «داوی»[29] میانمار را توسعه دهد (Blah, 2018, p.322). بطور کلی، دهلی نو برای تبدیل شدن به قدرت بزرگ آسیایی، توسعه دریایی را در دستور خود قرار داده است. هند بر این امر واقف است که چین در حال سرمایه‌گذاری در بنادر کشورهای همسایه است. از این‌رو هند در تلاش است با اجرای پروژه ساگارمالا و اتصال بنادر خود به بنادر کشورهای منطقه ضمن افزایش نفوذ و قدرت خود، محدودیت‌هایی برای حضور چین در بنادر این کشورها ایجاد کند.

۴-۱-۴. پروژه چند حالته کالادان

«پروژه چند حالته کالادان»[30] هند یکی دیگر از اقدامات درجهت توسعه راه‌های بین‌المللی به منظور نفوذ در کشورهای همسایه و مقابله با ابتکار یک‌کمربند- یک‌راه است. این پروژه

---

۲۶. Sagarmala Project

۲۷. Kankesanthurai

۲۸. Trincomalee

۲۹. Dawei

۳۰. Kaladan Multimadal Project

نمادی از رد پای هند، بطور خاص، در میانمار است؛ به‌طوری‌که هندوستان نام این پروژه را از رودخانه‌ای در میانمار اقتباس کرده است (Rao, 2019, p.253). هند به دو دلیل عمده در پی تحقق این پروژه است؛ نخست اتصال دریایی بندر کلکته هند به بندر سیتوی در میانمار در راستای نفوذ در کشورهای همسایه؛ و دوم، سهولت در حمل و نقل کالا به شمال شرق هند. این پروژه در نظر دارد که بندر سیتوی را از طریق رودخانه کالادان به شهر «پالتوا»[31] میانمار و از آنجا به صورت راه زمینی به ایالت «میزورام»[32] در شمال شرق هند متصل کند (Purushothaman & Unnikrishnan , 2019, p.73). در این راستا هند نوسازی بندر سیتوی در ساحل «راخین»[33] را به اتمام رسانده و به دولت میانمار واگذار کرده است. هم‌چنین در سال 2018 موافقت‌نامه‌ای بین دو کشور در خصوص بهره‌برداری از این بندر به امضا رسیده است (Rao, 2019, p.253). بطور کلی، هند در چارچوب سیاست « نخست همسایگی»[34] به توسعه روابط با کشورهای همسایه بویژه میانمار پرداخته است. از طرفی هند بر این امر واقف است که برای نفوذ در جنوب و جنوب شرقی آسیا و مقابله با رفتار تفوق‌جویانه چین در منطقه نیاز به توسعه روابط با میانمار دارد. لذا هند درصدد است با دخیل کردن میانمار در پروژه‌های بین‌المللی، نفوذ خود را در این کشور و منطقه تقویت کند.

۴-۲. تاکید بر موقعیت ژئوکالچر هند با انگیزه های اقتصادی

۴-۲-۱. پروژه موسم

«پروژه موسم»[35] از نقش تاریخی هند به عنوان مرکز تجارت و تبادلات فرهنگی در اقیانوس هند الهام گرفته است و بسیاری از کشورهای آسه آن را در بر می گیرد (Bhalla, 2020, pp.362-365). در حقیقت هند در تلاش است با بازسازی فرهنگ و تمدن خود، نقش مهمی در تجارت منطقه‌ای در اقیانوس هند ایفا کند. به عبارتی این کشور با تأکید بر نقش فرهنگ و تاریخ تمدن به عنوان ابزار قدرت نرم، سعی دارد تجارت و تعامل اقتصادی با کشورهای منطقه را توسعه دهد. هند دارای یک ساحل طولانی توسعه یافته در جنوب اقیانوس هند است که از نظر استراتژیک در نزدیک کردن شبه جزیره جنوبی خود به آسیای جنوب شرقی بسیار مهم است. این ارتباط باعث تقویت حرکت هند در ایجاد شبکه‌های اتصال منطقه‌ای بین اقیانوس آرام و هند می‌شود (Mishra & Haldar, 2020, pp.471-474). در این میان، پروژه موسم این امکان را برای

۳۱. Paletwa
۳۲. Mizoram
۳۳. Rakhin
۳۴. Neighbourhood first policy
۳۵. Project Mausam

هند فراهم می‌سازد تا روابط خود را با شرکای باستانی توسعه دهد. اتصال منطقه‌ای حوزه‌های شرق آفریقا، شبه جزیره عربستان، جنوب ایران، کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی در چارچوب همین پروژه تعریف شده است(Pillalamarri, 2014) . در همین ارتباط، هند با برگزاری نمایشگاه‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی نظیر نمایشگاهی با موضوع آفریقایی‌ها در هند، کنفرانس شبه قاره هند و کنفرانس مسیرهای دریایی و مناظر فرهنگی، چاپ نشریه‌ای با عنوان «موسم» و اقدامات دیگر، گام‌هایی در خصوص تحقق این پروژه برداشته است .(Sharma, 2018) بنابراین، چرخش هند به سمت پیوندهای تاریخی با کشورهای ساحلی اقیانوس هند یک اقدام موازنه‌ای در مقابل پروژه تاریخی یک کمربند- یک راه چین محسوب می گردد.

۴-۲-۲. دیپلماسی بودایی

توسعه مسیر بودایی از دیگر سیاست‌های تأثیرگذار هند در توسعه روابط فرهنگی و اقتصادی با کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا است. هند درصدد است با استفاده از قدرت نرم آیین بودا به نفوذ و توسعه روابط با این کشورها بپردازد (Mishra &Haldar, 2020, p.469). برجسته کردن ارتباط بودایی بین کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا و هند، به یک متغیر تأثیرگذار در نزدیکی کشورها تبدیل شده است. به‌طوری‌که سخنرانی مودی در سال 2014 در خصوص آیین بودا، تأثیرقابل توجهی بر روابط فرهنگی هند و نپال داشته است. هم‌چنین این قدرت نرم نقش مهمی در نزدیکی سریلانکا و ویتنام به هند داشته است. از طرفی تخریب میراث بودایی تبت، اعتبار چین را در سطح منطقه خدشه‌دار کرده است. دولت مودی با تأسیس مرکز آموزش بودایی باستان در شرق هند و برگزاری جشن جهانی بودایی گام مهمی در نزدیکی و توسعه روابط هند با کشورهای همسایه برداشته است (Mazumdar, 2018, pp.472-475). از طرفی تعداد زیاد مهاجران هندی در کشورهای همسایه، بستر قابل توجهی برای «دیپلماسی بودایی» فراهم کرده است. لذا دیپلماسی بودایی نقش قابل توجهی در توسعه مسیر و کریدورهای اقتصادی هند به کشورهای همسایه داشته است.

۴-۲-۳. ابتکار بنگلادش، بوتان، هند، نپال

هند برای دستیابی به سطح جدیدی از اتصال منطقه‌ای در حوزه حمل و نقل، برق و زیرساخت‌ها ابتکار بنگلادش، بوتان، هند و نپال را تشکیل داد. به‌طوری‌که هند برای تحقق این اقدام، با انجام توافق‌نامه‌ای اختلافات مرزی خود را با بنگلادش برطرف کرد (Kukreja, 2020, p.15). هند به منظور کاهش هزینه و زمان حمل و نقل، در ژوئن 2015 موافقت‌نامه حمل و نقل وسایل نقلیه بنگلادش، بوتان، هند، نپال را بین اعضا به امضا رساند. به‌طوری‌که هند 1.08میلیارد دلار برای ساخت و نوسازی جاده‌های متصل به بوتان، بنگلادش و نپال تصویب کرد. هم‌چنین این توافق‌نامه به این کشورها امکان دسترسی به بندر چیتاگونگ[36]

۳۶. Chittagong Dirision

پژوهشنامۀ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورۀ ۱۱، شمارۀ ۲، شمارۀ پیاپی۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

در بنگلادش را می‌دهد (Purushothaman &Unnikrishnan, 2019, p.73). بطورکلی، قرابت جغرافیایی، فرهنگ و آداب و رسوم مشترک این کشورها با هند فرصتی را برای دهلی نو بوجود آورد که از آن در جهت یک اتحاد چهار ضلعی توسعه اقتصادی گام بردارد و از طرفی بتواند نفوذ چین را در منطقه جنوب آسیا کاهش دهد.

۴-۳. استراتژی افزایش قدرت دریایی

توسعه پایگاه‌های نظامی چین بویژه استراتژی رشته مروارید در چارچوب ابتکار یک کمربند-یک‌راه ، منافع و امنیت هند را در منطقه با تهدید روبه‌رو کرده است. بر همین اساس، هند با اتخاذ سیاست‌هایی تلاش کرده است تا موازنه ای در قبال سیاست چین در حوضه آبی اتخاذ کند.

۴-۳-۱. توسعه نفوذ نیروی دریایی هند در منطقه

توسعه پایگاه‌های نظامی و حضور گسترده در پایگاه‌های نظامی کشورهای منطقه در راستای همکاری‌های نظامی- فنی از راهبردهای موازنه‌ای هند در قبال تهدیدات امنیتی ابتکار یک کمربند- یک‌راه چین است. در این راستا هند با کمک ژاپن پایگاه‌های نظامی خود را در جزایر «آندومان» و «نیکوبار»[37] توسعه بخشیده است. جزایر آندومان و نیکوبار از لحاظ ژئوپلیتیکی بین آسیای جنوبی و آسیای جنوب شرقی قرار دارد (Gill, 2020, p.12). هند با توسعه بنادر کشورهای منطقه، ضمن نفوذ اقتصادی، به دنبال حضور گسترده نیروی دریایی خود در اقیانوس هند و آرام است (Freeman, 2018, p.91). در سال 2018 هند و اندونزی به منظور همکاری‌های نظامی و امنیت دریایی، توافق‌نامه توسعه بندر «سابنگ»[38] اندونزی را به امضا رساندند. حضور نیروی دریایی هند در بندر سابنگ، امکان رصد کشتی‌های چینی در هنگام عبور از «تنگه مالاکا»[39] به اقیانوس هند را فراهم آورد. همچنین، طبق توافقات صورت گرفته هند با کشورهای همسایه، نیروی دریایی هند به منظور پشتیبانی لجستیکی و سوخت‌گیری حق استفاده از پایگاه نظامی جانگی سنگاپور[40] و بندر نهاترنگ[41] ویتنام را نیز دارا می‌باشد. هند به منظور توسعه نفوذ نیروی دریایی خود در اقیانوس آرام به همکاری نظامی- دفاعی با کره‌جنوبی هم پرداخته است. به‌طوری‌که دو کشور در سال 2019 به منظور پشتیبانی لجستیکی نیروهای دریایی یکدیگر موافقت‌نامه‌ای را به امضا رساندند (Gill, 2020, pp.12-14). علاوه بر این، هند به منظور توسعه حضور نیروی دریایی و مقابله با تهدیدات

---

۳۷. Andaman and Nicobar Islands

۳۸. Sabang

۳۹. Malaca Strait

۴۰. Changi

۴۱. Nhatrang

چین در منطقه خلیج‌فارس به همکاری نظامی با قطر و عمان پرداخته است. بر همین مبنا، هند برای تأمین امنیت خطوط دریایی می‌تواند به آب‌های سرزمینی قطر دسترسی پیدا کند. نیروی دریایی هند همچنین از حق پهلوگیری و پشتیبانی لجستیکی در بندر عمان برخوردار می‌باشد (Choudhury, 2018, p.312). با امضای توافق‌نامه‌ای در مارس 2018، هند موفق شده است به پایگاه‌های فرانسه در اقیانوس هند از جمله جیبوتی نیز دسترسی پیدا کند (Mcdougal &Taneja, 2020, p.125). هم‌چنین هند هر دو سال یکبار با هدف تقویت دیپلماسی دریایی و امنیت در اقیانوس هند و آرام به برگزاری رزمایش دریایی با نام «میلان» می‌کند که در این رزمایش 16 نیروی دریایی و گارد ساحلی از سراسر منطقه جنوب و جنوب شرقی آسیا شرکت دارند (Brewster, 2015, p.49). بطور کلی می‌توان بیان داشت در سال‌های اخیر هند و چین تقریبا حوزه های نفوذ نیروی دریایی خود را در کشورهای ساحلی اقیانوس هند مشخص و تقسیم کرده‌اند. در همین زمینه، هند سعی کرده است با اتخاذ دیپلماسی دریایی دوجانبه و چندجانبه در رابطه با کشورهای منطقه، ضمن نفوذ خود، موانعی برای ابتکار یک‌کمربند- یک‌راه چین ایجاد کند.

۴-۳-۲. ائتلاف‌سازی فرامنطقه‌ای دریایی در قالب گفتگوی امنیتی چهارضلعی

«گفتگوی امنیتی چهارضلعی»[42] یکی از مکانیسم های هند در چارچوب تقویت دیپلماسی دریایی است. در همین ارتباط، هند در سال 2012 از پیشنهاد ژاپن مبنی بر اتحاد چهارجانبه کشورهای دموکراتیک هند، ژاپن، آمریکا و استرالیا به منظور تأمین امنیت در اقیانوس هند و آرام حمایت کرد. به‌طوری‌که در سال 2015 گفتگوهای سه جانبه امنیتی بین هند- ژاپن- استرالیا و هند- ژاپن- امریکا صورت گرفت. در نوامبر 2017 گفتگوی امنیتی چهار ضلعی با هدف مقابله نظامی و دیپلماتیک با چین تشکیل شد (Kireeva, 2020, p.97). انگیزه اصلی ژاپن از آغاز این گفتگوها، که با حمایت هند هم مواجه شد، از طرفی افزایش نفوذ سیاسی و اقتصادی چین در شرق آسیا و اختلافات مرزی حل نشده در دریای چین شرقی بود، که موجبات نگرانی شدید سیاست‌مداران ژاپنی را فراهم آورده بود، که نهایتا ژاپن را به مقابله با هژمونی چین و ابتکار یک‌کمربند- یک‌راه سوق داد (Golam et al., 2019, p.8). لذا هند و ژاپن به دلیل رفتار تفوق‌جویانه چین در منطقه هند و اقیانوس آرام به توسعه روابط با یکدیگر پرداخته‌اند. به‌طوری‌که از سال 2000 تاکنون روابط دو کشور به سمت استراتژیک سوق پیدا کرده است (Kireeva, 2020, p.94). در این راستا همکاری‌های نظامی و امنیتی دو کشور بطور قابل توجهی توسعه یافته است. به گونه‌ای که در سال 2016 توافق‌نامه نظامی در خصوص تبادل لجستیک نظامی و استفاده از پایگاه‌های نظامی یکدیگر، بین دو کشور به امضاء رسیده است (Kashnikova, 2017, p.70). ژاپن با همکاری سایر کشورها از جمله هند درصدد

۴۲. Quadrilateral Security Dialogue

است با ایجاد یک شبکه امنیتی قوی بتواند از اقدامات قهرآمیز چین در آینده جلوگیری کند. بر همین اساس، در حال حاضر روابط نظامی هند با ژاپن، آمریکا و استرالیا در خصوص امنیت در اقیانوس هند و آرام بطور قابل توجهی افزایش یافته است. به گونه‌ای که هند می‌تواند از پایگاه‌های دریایی ژاپن در اقیانوس آرام و هند نظیر جیبوتی استفاده کند (Paul, 2020, p.70). هم‌چنین هند و آمریکا سالانه رزمایش دریایی مشترک در سطح اقیانوس هند با عنوان رزمایش «مالابار»[43] برگزار می کنند که گفتگوی امنیتی چهار ضلعی زمینه‌ای را فراهم کرد که نیروی دریایی ژاپن و استرالیا به عنوان عضو دائم در این رزمایش حضور پیدا کنند (Choudhury, 2018, p.316). در حقیقت هند درصدد است با توسعه سازوکارهای چندجانبه فرامنطقه‌ای ضمن کاهش امنیت ترانزیت کالای چین در منطقه، بتواند حضور خود را در اقیانوس آرام گسترش دهد.

۴-۴. تقویت چندجانبه گرایی منطقه ای در قالب سیاست عمل به شرق

سازمان‌های منطقه‌ای با تسهیل ارتباط و شناسایی زمینه‌های همکاری بین دولت‌ها، منافعی را برای همه بازیگران دولتی به همراه می‌آورند. در همین ارتباط، هند در تلاش است از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای در جهت تحقق اهداف ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک خود و موازنه‌سازی با تهدیدات ابتکار یک کمربند- یک‌راه بهره گیرد.

۴-۴-۱. همکاری مکونگ- گانگا

همکاری «مکونگ- گانگا»[44] در سال 2000 در راستای سیاست نگاه به شرق هند و با هدف توسعه ارتباطات فرهنگی، گردشگری و حمل و نقل میان کشورهای هند، میانمار، تایلند، کامبوج، لائوس و ویتنام تشکیل شد. هند نگران است که پکن از موقعیت کشورهای کامبوج، لائوس، میانمار و ویتنام برای رسیدن به اقیانوس هند و ادغام اقتصاد آن‌ها با اقتصاد خود از طریق ابتکار یک کمربند- یک‌راه و انتقال انرژی استفاده کند. هند در سال‌های اخیر تحکیم پیوندهای فرهنگی و اقتصادی بین کشورهای همکاری مکونگ- گانگا را مورد توجه و حمایت قرار داده تا بتواند محدودیت‌هایی را برای ابتکار یک کمربند- یک‌راه بوجود آورد (Purushothaman & Unnikrishnan, 2019, p.74). کریدور اقتصادی مکونگ- هند از جمله اقدامات هند در جهت تقویت همکاری و اتصال منطقه‌ای در درون همکاری مکونگ- گانگا است که شهر «هوشی مین»[45] ویتنام، «داوی»[46] میانمار، بانکوک تایلند، «پنوم‌پن»[47]

---

۴۳. Malabar Exercise

۴۴. Mekong- Ganga Cooperation

۴۵. Hochi minh City

۴۶. Dawei

۴۷. Phnom penh

کامبوج را به «چنای»[48] هند متصل می‌کند. هم‌چنین هند در حال توسعه بزرگراه هند، میانمار، تایلند است (Mishra & Haldar, 2020, p.469). هند به موازات دستیابی به هژمونی منطقه می‌کوشد تا از طریق ائتلافی در امتداد اقیانوس هند، مانع از حضور گسترده چین در منطقه شود. لذا تشویق و تقویت همکاری‌ها به عنوان مبانی سیاست خارجی هند در منطقه پیگیری می‌شود. هند پروژه‌های وسیعی را در این سازمان در دست بررسی و اجرا دارد که هر یک به نوبه خود به توسعه نفوذ هند در منطقه کمک شایانی می‌کند.

۴-۴-۲. ابتکار خلیج بنگال

ابتکار خلیج بنگال یک سازمان بین‌المللی متشکل از هفت کشور جنوب و جنوب شرقی آسیا(بنگلادش، بوتان، نپال، هند، میانمار، سریلانکا، تایلند) است که در سال 1997 با هدف ایجاد یک منطقه یکپارچه در شبه قاره هند با هدف توسعه همکاری‌های فنی و اقتصادی تشکیل شد. هند در چارچوب سیاست نگاه به شرق، نقش مهمی در تحقق این سازمان ایفا کرده است. عدم عضویت پاکستان در این سازمان زمینه‌ای را فراهم کرد که هند پروژه‌های خود را بدون مخالفت پاکستان در دستور کار خود قرار دهد (Purushothaman & Unnikrishnan, 2019, p.73). از طرفی هند نگران است که ابتکار یک کمربند- یک راه و ابتکار عمل دیپلماسی تله بدهی، ضمن توسعه نفوذ سیاسی و اقتصادی چین در منطقه جنوب و جنوب شرقی آسیا، منافع و امنیت هند را با تهدید روبه‌رو کند (Chan, 2020, p.206). لذا هند با تشدید پروژه‌های «اتصال منطقه‌ای» و تقویت چندجانبه گرایی منطقه‌ای و تعمیق روابط با کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا را اولویت خود قرار داده است. عضویت اکثر کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا در این سازمان، نقش مهمی در تحقق اهداف هند ایفا کرده است. به‌طوری که در سال‌های اخیر این سازمان طرح‌هایی برای همکاری در حوزه تجارت، مبارزه با قاچاق، محیط زیست و توریست به اجرا گذاشته است (Sengupta, 2020, pp.238-239). هند توانسته است ضمن دور نگه داشتن پاکستان در تعامل با کشورهای عضو سازمان ابتکار خلیج بنگال، محدودیت‌هایی را برای نفوذ چین ایجاد کند. هند بر این امر واقف است که حضور بیش از یک پنجم جمعیت جهان در این هفت کشور، می‌تواند به یک عامل قدرت تجاری و اقتصادی هند تبدیل شود. لذا این کشور درصدد است از ابتکار خلیج بنگال جهت همکاری چند جانبه فنی و اقتصادی برای نفوذ در کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا بهره گیرد.

۵. سیاست موازنه سازی هند در قبال ابتکار یک کمربند- یک راه چین

در عرصه نظام بین‌الملل و منطقه، دولت‌ها در مواقع تهدید و ترس به سیاست موازنه قوا و موازنه‌سازی روی می‌آورند. در همین چارچوب، هند همواره افزایش قدرت چین را به عنوان تهدید جدی علیه خود در منطقه در نظر می‌گیرد. در همین زمینه، توسعه نفوذ سیاسی و

۴۸. Chennai

اقتصادی چین به موازات پروژه یک کمربند- یک راه، نگرانی‌هایی را برای منافع و امنیت هند بوجود آورده است؛ که این مساله با حضور چین در مناطق مورد مناقشه مرزی و همکاری با پاکستان تشدید شده است. از این‌رو هند در راستای موازنه سازی در برابر تهدیدات و قدرت روزافزون چین، همکاری با قدرت‌های منطقه و فرامنطقه‌ای را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است. هند در راستای الگوی رفتاری موازنه قوا این اعتقاد را در بازیگران منطقه و نظام بین‌الملل ترویج داده که توسعه قدرت هند در منطقه، نفوذ سیاسی و اقتصادی چین را با محدودیت روبه‌رو می کند. توسعه روابط هند با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای نظیر آمریکا و ژاپن در سال‌های اخیر در همین چارچوب قابل تحلیل است. در این راستا، ایجاد کریدور «رشد آسیا- آفریقا» و آغاز «گفتگوی امنیتی چهار ضلعی» توانسته ضمن برقراری توازن قدرت در منطقه، نفوذ سیاسی و اقتصادی هند را توسعه بخشد. در حقیقت با ایجاد کریدورهای رقیب، هند سعی کرده است تا از مزیت و اهمیت ابتکار یک کمربند- یک راه بکاهد. در این ارتباط، هند از همکاری با کشورهای رقیب چین بویژه ژاپن بهره جسته است. ژاپن به عنوان رقیب پکن که دارای اختلافات جدی مرزی با این کشور است، بدلیل برخورداری از ظرفیت های فنی و مالی می‌تواند به هند در پیشبرد اهداف این کشور در موازنه سازی در برابر چین کمک نماید. همزمان نیز سیاست نزدیکی به ایران و روسیه در قالب تقویت «کریدور شمال- جنوب» با هدف بهره برداری از موقعیت ژئوپلتیکی ایران و نفوذ روسیه در منطقه در دستور کار دهلی نو قرار گرفته است. در حقیقت هند درصدد است با توسعه روابط با کشورهای آسیای میانه در قالب کریدور شمال- جنوب، ضمن کاهش نفوذ چین در این مناطق، کالاهای خود را به اوراسیا ارسال کند و از طرفی امنیت مرزهای شمالی خود را تضمین کند. مسکو نیز بر این امر واقف است که نفوذ چین در اوراسیا، منافع و امنیت روسیه را با تهدید مواجه می‌سازد. تهدیدات مشترک چین سبب همکاری روسیه با هند جهت توسعه کریدور شده است.

توسعه زیرساخت‌ها در قالب «پروژه ساگارمالا» و گسترش راه‌های آبی از طریق پروژه هایی نظیر «پروژه چند حالته کالادان» و نوسازی بنادر کشورهای منطقه با هدف ایجاد شبکه هایی از مراکز تجاری مرتبط با هم از دیگر سیاست‌های هند می‌باشد. در واقع هند در صدد است با استفاده از ظرفیت‌های دریایی کشورهای منطقه تعاملات تجاری خود را با منطقه و خارج از آن تقویت کرده و موقعیت تجاری خود را در برابر ابتکار یک کمربند- یک راه تقویت کند. همچنین هند با توسعه نیروی دریایی و تقویت پایگاه های نظامی دریایی در کشورهای منطقه بدنبال رصد و کنترل راه‌های دریایی و کشتی های تجاری چینی در منطقه اقیانوس هند و همچنین اقیانوس آرام می‌باشد. تقویت دیپلماسی دریایی از مکانیسم‌های موثر هند جهت ائتلاف سازی دریایی منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای محسوب می گردد.

سیاست نخست همسایگی و عمل به شرق نارندا مودی، در قالبی از رفتار موازنه قوای هند،

زمینه‌ای برای تحقق اهداف و منافع دهلی نو در منطقه و نظام بین‌الملل ایجاد کرده، به‌طوری که هند در روابط با کشورهای همسایه و حوزه شرق در تلاش است حضور و نفوذ چین در منطقه شبه قاره و اقیانوس هند را کاهش دهد. در همین ارتباط و در تقابل با تهدیدات ابتکار یک کمربند -یک راه، هند سعی دارد تا از ظرفیت‌ها و پیوندهای تاریخی، فرهنگی و تمدنی خود در قالب پروژه هایی مانند «پروژه موسم» جهت تقویت تجارت منطقه‌ای استفاده نماید. در این بین تاکید بر اشتراکات فرهنگی و استفاده از «دیپلماسی بودایی» از دیگر ابزارهای موثر هند به حساب می‌آید. بنابراین به نظر می‌رسد که هند سعی دارد تا از قدرت نرم خود نیز برای ائتلاف سازی و حداکثرسازی قدرت اقتصادی در برابر قدرت اقتصادی رو به رشد چین استفاده نماید. تحکیم پیوندهای فرهنگی- اقتصادی در قالب سیاست‌های همکاری جویانه‌ای نظیر «مکونگ- گانگا» یا «ابتکار خلیج بنگال» شبکه‌سازی منطقه‌ای هند را جهت تقویت مناسبات اقتصادی بیشتر کرده تا بدین ترتیب این کشور بتواند خود را از فشار و انزوای احتمالی ناشی از ابتکار یک کمربند - یک راه چین برهاند. به عبارتی، فارغ از مناسبات سیاسی، اقتصادی دوجانبه، هند از نقش و جایگاه سازمان‌های منطقه‌ای نیز برای تقویت مناسبات، شبکه‌سازی امنیتی در منطقه و موازنه سازی در برابر تهدیدات ناشی از ابتکار چین بهره گرفته است. هم‌چنین هند به دنبال بهره‌برداری از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان‌ملل، اتحادیه اوراسیا و غیره در جهت اعتلای قدرت جهانی است. در واقع هند با اتخاذ «استراتژی عدم تعهد»، حوزه شرق و غرب را برای مهار قدرت چین در منطقه و نظام بین‌الملل به سمت خود کشانده است. به‌طوری که هند همزمان با توسعه روابط خود با آمریکا، روابط خود با روسیه را نیز حفظ کرده است. از یک سو روسیه نگران به حاشیه رفتن جایگاهش در منطقه آسیای میانه و قفقاز بدلیل پروژه یک کمربند- یک راه چین است. از سوی دیگر قدرت روزافزون چین در نظام بین‌الملل قدرت یک‌جانبه گرایانه آمریکا را با تهدید روبه‌رو کرده است.

نتیجه‌گیری

هند و چین به عنوان کشورهای نوظهور رقابت تنگاتنگی در عرصه‌های مختلف با یکدیگر دارند. هر از این کشورها سعی دارند تا با اتخاذ سیاست‌هایی زمینه‌های نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی خود را تقویت نموده و جایگاه خود را در سلسله مراتب توزیع قدرت جهانی ارتقاء بخشند. در همین ارتباط، ابتکار یک کمربند- یک راه چین رقابت‌های دهلی نو و پکن را، بویژه در ژئوپلتیک جنوب آسیا، وارد مرحله نوینی کرده است. به تعبیر دیگر ارائه ابتکار چین سبب شده تا هند با تصور این که این طرح می‌تواند سبب افزایش قدرت و هژمونی چین شود و نهایتا موازنه قدرت را به زیان هند تغییر دهد، راهبرد موازنه قدرت را در دستور کار دستگاه دیپلماسی خود قرار دهد. در همین راستا هند تلاش کرده است از تمامی ابزارهای گوناگون ژئوپلتیکی، ژئوکالچر و ژئواکونومیک جهت مقابله با تهدیدات چین در قالب ابتکار یک کمربند- یک راه بهره برداری

نماید. هند در چارچوب حفظ وضع موجود از یک سو سعی نموده تا با تقویت دیپلماسی دوجانبه و چندجانبه، اتخاذ سیاست عدم تعهد و نخست همسایگی ، نهادسازی منطقه‌ای و اتکا به ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی مناسبات خود را با کشورهای همسایه از طریق اتصال منطقه ای بهبود بخشیده و زمینه‌های همگرایی سیاسی- اقتصادی منطقه‌ای را در برابر ابتکار اقتصادی چین تقویت نماید.

اما از سوی دیگر همزمان نیز هند با توسعه همکاری با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و بین‌المللی نظیر آمریکا و روسیه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی-امنیتی، ضمن ارتقای توانایی و ظرفیت‌های خود در ابعاد مختلف، تلاش می‌کند از تهدیدات چین در قالب ابتکار یک کمربند- یک‌راه عبور کند. این سیاست در حالی پیگیری می‌شود که کشورهای جنوب و جنوب شرق آسیا از لحاظ فلسفی و استراتژیک خواهان حفظ وضع موجود هستند. این موضوع در حالی است که قدرت های بزرگ بویژه آمریکا نیز تمایل شدید جهت موازنه‌سازی در قبال هژمون گرایی چین از طریق حمایت از هند دارند. بنابراین بطور کلی به نظر می‌رسد که تحولات و ساختار نظام منطقه‌ای و بین‌المللی دوکشور را به موازنه‌سازی در قبال یکدیگر سوق می‌دهد.

منابع

Alikberov E. Sh., Alikberova A. R. (2020).Sino-Indian relations at the present stage: an overview. Modern oriental studies. 2 (4), 71-79.[in Russia].

Asgarkhani, M. & Ghahremani, M. (2013). China's Rising Power and the Reaction of the United States and India to it. Quarterly Journal of Political and International Research, 5(17), 33-53. [In Persian].

Bhalla, M. (2020). Thinking About the Indian Ocean and the Mausam Initiative. India Quarterly: A Journal of International Affairs, 76(3), 361-374.

Blah, M. (2018). China's Belt and Road Initiative and India's Concerns. Strategic Analysis, 42(4), 313-332.

Brewster, D. (2015). An Indian Ocean dilemma: Sino-Indian rivalry and China's strategic vulnerability in the Indian Ocean. Journal of the Indian Ocean Region, 11(1), 48-59.

Burchill, S. & et al. (2012). Theories of International Relations. (H. Moshirzadeh & R. Talebi, Trans.): Mizan Publishing. [In Persian].

Chan, L. H. (2020). Can China remake regional order? Contestation with India over the Belt and Road Initiative. Global Change, Peace & Security, 32(2), 199-217.

Choudhury, A. (2018). "Strategic-Maritime Triangle in the Indian Ocean: An Emerging Indo-US Naval Entente?. India Quarterly: A Journal of International Affairs, 74(3), 305-325.

Cheginizade, Gh. (2014). Balance of Power and Strategic relations between China and US, Foreign Relations Quarterly, 5(4), 227- 263. [In Persian]

Dehghani Firouzabadi, J. & Moradi, M. (2016). The United States and the Iran-Russia Relations. Central Asia and The Caucasus Journal, 21(89), 65-91. [In Persian].

Dunaeva, Yu.G. (2015). Indo-Asian region and Russia: pragmatism as a sign of the times. Topical issues of modern science. (39), 55-64.[in Russia].

پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

Fathi M.J.; Pirani, S., Ghafoori, A. (2021). Strategic Loneliness and the Strategic
Policies of Iran in the West Asia, The Iranian Research letter of International Politics, 9(2), 159-209. [In Persian]
Freeman, carla p. (2018). China's reginalism foreign policy and china - india relations in South Asia, contemporary politics, 24(1), 81-97.
Gill, D. M. (2020). Between the Elephant and the Dragon: examining the Sino-Indian
competition in the Indian Ocean. Journal of the Indian Ocean Region. 1-19.
Ghezello, M. (2021). Iran and China 25-years Agreement: What We Know about
Iran-China Agreement, Tejarat News. https://tejaratnews.com/training .[In Persian].
Golam Timur Bakievich, Evnevich Vsevolod Vladislavovich, & Khudaikulova Alexandra Viktorovna (2019). Strategic rivalry between India and China in the
Indian Ocean basin in the 21st century. Conflictology / nota bene. (4), 1-13. [in
Russia].
Jamshidi, M. & Khatami, M. (2020). The Role of The 'One Belt-One Road' Initiative
in China's New Economic Order. Politics Quarterly. 50(1), 1-20.[In Persian].
Kamenev, S.N.(2018 China-Pakistan Economic Corridor and Regional Security Issues. Eastern Analytics. (3), 67-81.[in Russia].
Kashnikova, Valeria Igorevna (2017). Narendra Modi and Vladimir Putin – Architectures of international relations. Research Azimuth: Economics and
Management. 1 (18), 244-247.[in Russia].
Kireeva, A.A. (2020). Japan and India: Strategic Partnership in the Indo-Pacific East Asia: past, present, future. (7), 91-102.[in Russia].
Kukreja, V. (2020). India in the Emergent Multipolar World Order: Dynamics and
Strategic Challenges. India Quarterly: A Journal of International Affairs, 76(1),
8-23.
Leonova, O.G. (2017). Indian-Russian Relations in the 21st Century: A View from
the Other Side. Russia and the modern world. 3(96), 133-148.[in Russia].

Mazumdar, A. (2018). India’s soft power diplomacy under the Modi administration:
Buddhism, Diaspora and Yoga. Asian Affairs, 49(3), 468-491.
Mcdougal, D. & Taneja, P. (2020). Sino-Indian competition in the Indian Ocean
island countries: the scope for small state agency. Journal of the Indian Ocean
Region. 16(2), 124-145.
Mishra, V. & Haldar, H. (2020). Emerging Contours of Contemporary Asian
Maritime Connectivity. Economic and Strategic Objectives. 76(3), 461-478.
Moshirzadeh, H. (2018). Explaining and Analyzing foreign Policy: Theoretical
Foundations. Tehran: Samt.[In Persian].
Moshirzadeh, H. (2015). Development in International Relations Theories. Tehran:
Samt. [In Persian].
Mossalanejad, A. (2011). Iran’s balance of Power Analysis in Realism and
Neorealism Approaches. International Relations Research. 1(1), 131-158. [In
Persian].
Niakoui, A. & Safari, A. (2018). Russia’s Behavior Model in International System:
An Attempt to Access a Favorable Balance of Power (2014-2018). Central Asia
and The Caucasus Journal, 24(103), 101-130. [In Persian].
Oshal, J. (2021). Some Questions Regarding the Comprehensive Strategic
Cooperation between Iran and China, Khabar Online,
https://www.khabaronline.ir/news .[In Persian].
Paul, J. M. (2020). India–Japan maritime security cooperation: Secondary states’ soft
balancing in the Indo-Pacific. Maritime Affairs: Journal of the National Maritime
Foundation of India. 15(2), 59-77.
Pillalamarri, A. (18 sep 2014). Project Mausam: India’s Answer to China’s
‘Maritime Silk Road. https://thediplomat.com
Piniugina, E.V. (2018). Russia's Role in the Formation of the Eurasian Interstate
Transport Projects. . Russia and the modern world. 1 (98), 157-171.[in
Russia].
Purushothaman, U. & Unnikrishnan, N. (2019). A Tale of Many Roads: India’s

پژوهشنامهٔ ایرانی
سیاست بین‌الملل
دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ
پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

Approach to Connectivity Projects in Eurasia. India Quarterly: A Journal of International Affairs. 75(1), 69-86.

Rao, P. V. (2019). Development through connectivity': India's maritime narrative.

Journal of the Indian Ocean Region. 15(3), 245-264.

Sengupta, A. (2020). The oceans as new regions: emerging narratives and the Bay

of Bengal. Journal of the Indian Ocean Region. 16(3), 229-243.

Sazmand, B.; Azimi, A. & Nazari, A. A.(2011). Theory of Balance of Power: Critisize and Examnie its efficiency, Foreign Relations Quarterly, 2(4), 251-274. [in persian].

Sharma, M. (17 Dec 2018). Project 'Mausam' extended up to 2020 with the pre-

approved fund of Rs 60,039,297.

https://pib.gov.in/PressReleasePage.aspx?PRID=1556234

Simbar, R. & Salehiyan, T. (2017). The Evolutions of International System after the

Cold War and the New Variations of Force Balance. Journal of Politics and International Relations. 1(1), 33-51. [In Persian].

Sukhodolov, Yakov Alexandrovich (2020). The Current State and Major Trends of

Russian-Indian Trade and Economic Cooperation. Economics.(50), 213-224.[in Russia].

Tishehyar, M.; Fathi, M. & Dashtgard, M. (2018). India and China's Hegemonic Competition in the South and Southeast of Asia (With Special Focus on Economic and Military Components). Journal of Subcontinent Researches. 10(34), 65-86. [In Persian]

Touiserkani, M. (2019). New Spice Route: A Regional Rival for New Silk Road.

Central Asia and The Caucasus Journal. 25(105), 1-38. [In Persian].

Waltz, K (1979). Theory of international politics, Addison-Wesley.

Zamaraeva, N.A. (2018). India and the project China-Pakistan Economic Corridor.Eastern Analytics. (3), 60-66.[in Russia].